

موضع‌گیری‌های سیاسی خوانین تالش با حکومت روسیه

در دوره قاجار تا عهدنامه ترکمانچای

لاله عرفانی نمین، رضا شعبانی*، سینا فروزش

دانشجوی دکتری رشته تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ استاد رشته تاریخ، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ استادیار تاریخ، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۷/۰۸/۱۸) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۱/۱۷)

**Khan Talesh's Political Stances With the Russian Government
During the Qajar Period up to the Treaty of Turkmenchay****Laleh Erfani Namin, Reza Shabani, Sina Forouzes**

PhD student, history of Islam, Science and research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Professor, History Department, Humanities Faculty, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Assistant Professor, history, humanities faculty, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: (2018. 11. 09)

Accepted: (2020. 04. 05)

Abstract

The effort of one of the strategic regions of Iran, located in the west of the Caspian Sea, has been very effective in determining the political borders due to its special position. Simultaneously with the extinction of the Safavids, most landowners, in an effort to protect their own interests, turned to the Russian government. After Nader Shah Afshar, a suitable ground was prepared for the formation of independent and semi-independent khanates, and during the reign of Karim Khan Zand, due to the peace in the borders, the Khans had unstable relations with the Russians. During the Qajar period, and especially at the same time with the conclusion of the Golestan and Turkmenchay treaties, which led to the division of the Talesh region, the position of the Khans towards Russia became more apparent. What are the reasons for the growing presence of Russians in the region and the turning away from the Iranian government in the political dispute between Iran and Russia? Attention to the level of power, domination and supervision of the then government of Iran in the effort on the one hand and the expansionist policy of Peter the Great on the other hand caused the Russians to pay unprecedented attention to the readers of the effort. According to the findings of the present study, this change of position has been affected by the conditions of colonial development in the world, the readers' sense of independence and lack of military and political supporters by the Iranian government. The present article seeks to investigate the political behaviors of the readers of Talesh in the Qajar period following the Iran-Russia wars and its impact on the outcome of the war using a descriptive-analytical method.

Keywords: Khan Talesh, Qajar, Russia, Turkmenchay Treaty.**چکیده**

تالش یکی از مناطق استراتژیک ایران، واقع در غرب دریای خزر، در تعیین مرزهای سیاسی به جهت موقعیت خاص خود بسیار تأثیر گذار بوده است. همزمان با انقراض صفویان بیشتر زمین داران تالش برای حفظ منافع خود، به دولت روسیه گرویدند. پس از نادرشاه افشار، زمینه مناسبی برای تشکیل خانات مستقل و نیمه‌مستقل فراهم شد و در دوره کریم‌خان زند به دلیل آرامش حاصل در مرزها، خوانین روابط ناپایداری با روس‌ها داشتند. در دوره قاجار و به خصوص هم‌زمان با انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای که منجر به تقسیم منطقه تالش شد، موضع خوانین نسبت به روسیه جلوه بیشتری یافت؛ اما دلیل حضور روزافزون روس‌ها در منطقه و روی گردانی خوانین تالش از دولت ایران در مناقشات سیاسی میان ایران و روسیه را در چه عواملی می‌توان یافت؟ توجه به میزان قدرت، تسلط و نظارت حکومت وقت ایران در تالش از یک سو و سیاست توسعه‌طلبانه پترکبیر از سوی دیگر موجب توجه بیش از پیش روس‌ها به خوانین تالش شد. بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، این تغییر موضع، متأثر از شرایط توسعه استعمار در جهان، حس استقلال‌طلبی خوانین و نداشتن حامیان نظامی و سیاسی از طرف دولت ایران بوده است. مقاله حاضر درصدد بررسی رفتارهای سیاسی خوانین تالش در دوره قاجار در پی جنگ‌های ایران و روسیه و تأثیر آن بر نتایج جنگ با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: خوانین تالش، قاجار، روسیه، عهدنامه ترکمانچای.

۱. مقدمه

در این زمان نوشته‌های مورخان درباری پادشاهان قاجار با انتقاد شدید نسبت به خوانین همراه است؛ به طوری که هیچ تمجیدی از آنها، حتی در زمان دفاع از سرزمین ایران، صورت نگرفته است. به دلیل نافرمانی برخی خوانین تالش از حکومت قاجار، دیدگاه‌های مغرضانه‌ای در مواجهه با خوانین در منابع این دوره دیده می‌شود. میرزا صادق وقایع‌نگار مروزی، در کتاب *آهنگ سروش* (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)، نقش نظامی خوانین تالش را نادیده گرفته و حتی با تعصب درباری از آنها به عنوان دشمنان حکومت یاد می‌کند. همچنین در کتاب *تاریخ نو*، نویسنده به نگارش دقیق از جنگ و گریزهای خوانین تالش می‌پردازد اما عملکرد خوانین در این جنگ‌ها را تحلیل نمی‌کند. در پژوهش حاضر بیشترین اطلاعات، مربوط به تاریخ‌های محلی، اسناد و مکاتبات است. در میان تواریخ محلی این دوره، کتاب *اخبارنامه* و *تذکره سعیدیه* از اهمیت بیشتری برخوردارند. این آثار ضمن گزارش دقیق جنگ‌ها در تالش، از روابط حاکمان روسیه و ایران با خوانین این منطقه در دوره مورد بحث به خوبی پرده برداشته و دیدگاه جدیدی در قضاوت از وطن‌دوستان و وطن‌فروشان این منطقه ایجاد می‌کند. اما نباید نادیده گرفت که هر دو منبع با تعصبات شدیدی نسبت به خوانین نگارش یافته است. در *اخبارنامه*، نویسنده در دوره نادرشاه، جد خان تالش را به عنوان برقرار کننده امنیت در این منطقه ذکر می‌کند. در این زمان روابط خوانین تالش با دولت ایران کاملاً مطیع قلمداد

جنگ‌های ایران و روسیه در دوره فتحعلی‌شاه موجب خارج شدن قسمت‌هایی از سرزمین‌های قفقاز، آذربایجان و تالش از حوزه سلطه ایران شد. آنچه شایان توجه است، نقشی است که خوانین در روابط ایران و روسیه بازی می‌کردند. یکی از مسائل مورد توجه در دلایل آغاز جنگ، روابط خان‌نشین‌های قفقاز و تالش با دولت روسیه بود. برخی از آن خوانین خود را تحت‌الحمایه روسیه قرار داده و بهانه لازم برای مناقشه در این منطقه را ایجاد کردند. به طور حتم منطقه تالش با ویژگی‌های طبیعی منحصر به فرد خود اهمیت ویژه‌ای در طول جنگ برای لشکریان روس داشت و با در نظر گرفتن موقعیت ممتاز سوق الجیشی و نیز وجود قلعه‌های مستحکم و مناطق صعب‌العبور، پایداری جدی از طرف حکومت ایران و خوانین محلی صورت گرفت. اما باید اذعان کرد که پافشاری از جانب روس‌ها برای جدالی تاثیرگذار در این منطقه کافی بود.

به دنبال ضعف ایران به هنگام فروپاشی صفویان و شکل‌گیری خانات محلی، این مناطق تاحدودی از حوزه نظارت حکومت وقت ایران خارج گردید. خوانین تالش در دوره افشاریه و زندیه تحت اطاعت حکومت وقت بودند؛ اما با تعویض حکومت در ایران، پادشاهان قاجار را به عنوان حاکمان رسمی قبول نکردند چنان که در منابع محلی تالش به کرات از پادشاهان قاجار با عنوان تحقیرآمیز *قزلباشیه*^۱ یاد شده است.

۱. قاجار جزء هفت طایفه قزلباش‌هایی بودند که در رسیدن شاه اسماعیل صفوی به پادشاهی او را یاری کردند. قزلباش‌ها به تدریج با آشکار شدن دسیسه‌ها و توطئه‌هایشان موقعیتشان تنزل کرد.

شده؛ اما از دوره زندیه و قاجاریه به عنوان حکومت رسمی یاد نشده است ضمن اینکه ارتباط با دولت روسیه در مقابل ایران امری بسیار عادی تلقی شده است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

۱. علت تغییر موضع خوانین در برابر دولت‌های ایران و روسیه چه بوده است؟

۲. آیا عملکرد خوانین تالش تأثیری در روابط ایران و روسیه داشته است؟

از آنجا که تاکنون به طور خاص به رفتارهای سیاسی خوانین تالش در این برهه زمانی و مکانی پرداخته نشده و بیشتر منابع به زندگی چند شخصیت و یا تاریخ کلی این منطقه پرداخته‌اند، انجام این پژوهش ضروری است.

۲. موقعیت جغرافیایی و سیاسی تالش قبل از

شکل‌گیری خوانین

سرزمین تالش ویژگی‌های منحصر به فردی از لحاظ فرهنگ، زبان، تاریخ و به‌ویژه استراتژیک و جغرافیا دارد. موقعیت جغرافیایی خاص تالش آن منطقه را از هجوم دیگر اقوام محافظت کرده و از سوی دیگر باعث حفظ اصالت قومی و زبانی این منطقه نسبت به سایر مناطق ایران شده است. با توجه به این موقعیت، جریان‌ات و تحولات این منطقه تحت تاثیر تحولات نظام حکومتی وقت ایران و همسایه آن روسیه بوده و نقش اساسی در این تحولات را حاکمان محلی داشته‌اند.

واژه «تالش» که در شمال منطقه تالش و یا

تولیش تلفظ می‌شود، برای نامیدن دامنه شرقی رشته کوه و نیز قومی به همین نام به‌کار می‌رود (بازن، ۱۳۹۴: ۲۱). بیشتر محققین در این حوزه، معتقدند تالش نامش از «طالوش» گرفته شده و تغییر شکل یافته همان «کادوس» باستان است^۱ که در روزگاران قدیم منطقه وسیعی را در برداشته است. تالشان قومی مهاجر نبودند و در واقع یک جمعیت بومی و درون‌زای همین منطقه بودند. تالش اصل، از شمال به حد فاصل رود ارس و «کورا» و اراضی تحت نظارت «لنکران» و «ماساللی»، از جنوب به مرداب «انزلی» (رود سرمحله)، «تازه‌آباد»، «گسکر» و «ماسوله»، از سمت غرب به کوه‌های تالش و همسایگان آذربایجانی و تات زبان‌های خلخال و محال ویکلیج (برخی دهات نمین^۲ تالش زبانند) و از شرق به دریای خزر محدود می‌شده است (عرفانی، ۱۳۸۹: ۳۱). تالش جزء استان گیلان است و چندزبانگی قاعده سرتاسر استان است (بازن، ۱۳۹۴: ۲۹). پس به‌طور کلی محدوده تالش از قزل‌آغاج^۳ در شمال لنکران شروع شده و تا

۱. سعید بن کاظم‌بیگ برادگاهی در تذکره سعیدیه می‌نویسد: تالش در اصل به طالس کلمه عربی و مفرد طیالس است ... واضح است که طیالس دهی از بلاد وسیع فی شمال الدیلم است.

۲. نمین شهری کوچک در ۲۰ کیلومتری اردبیل است. مرکز ویکلیج محسوب می‌شود و چندین روستای تالشی زبان در اطراف آن بافت جمعیتی این شهر را متشکل از ترک و تالش رقم زده است.

۳. بزرگ‌ترین پارک ملی آذربایجان به نام «قزل‌آغاج» منطقه‌ای در کنار لنکران است. اما در تذکره سعیدیه از آن به عنوان شهری در کنار لنکران و قسمت غربی دریای خزر نام برده شده است.

حدود لاهیجان ادامه پیدا می‌کند.

اطلاعات ما پس از نفوذ اسلام در این منطقه ناچیز و اندک است، اما می‌دانیم که زمینه‌های قدرت‌گیری آنها بیشتر از زمان تشکیل حکومت صفویه صورت می‌پذیرد. با مرگ تیمور (۸۰۷ ق / ۱۴۰۵ م) و ضعف دولت گورکانی، تالشان بر جانشینان وی یاغی شدند (طهرانی، ۱۳۵۶: ۴۹۳). با این‌همه، گویا تیموریان با قوم تالش رابطه‌ای همراه با مدارا داشتند و بزرگان تالش در سال (۸۲۴ ق / ۱۴۲۱ م) به ملاقات شاهرخ تیموری در قره‌باغ رفتند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۵۰ / ۴). آنها تا اواخر دوره تیموری نزدیک‌ترین روابط را با خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی داشتند و از حامیان اصلی وی بودند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۴۱).

از آنجا که همواره اقوام مختلف در ایران محرک اصلی حوادث مختلف بوده‌اند، در این میان تالش‌ها نیز قبل از روی کار آمدن قاجاریه، به‌خصوص در دوره صفویه نقش فعال و انکارناپذیری را ایفا نموده‌اند. به طوری که در روی کار آوردن صفویه و تثبیت قدرت آنها با استفاده از قدرت جنگاوری‌شان نقش به‌سزایی داشته‌اند. بعد از شاه سلطان حسین و سقوط اصفهان، حیدرخان تالش، به همراه حاکم آستارا با سپاه دوازده هزار نفری که نشان از اقتدار آنها داشت، با فرمان طهماسب دوم صفوی به جنگ با روس‌ها رفت. در این دوره مقاومت‌های زیادی از طرف تالشی‌ها صورت گرفت ولی نتوانستند

موفق شوند و روس‌ها به چپاول و دست‌اندازی‌های خود ادامه دادند (لاکهارت، ۱۳۴۳: ۲۷۹).

شکل‌گیری خوانین تالش به طور رسمی از دوره نادرشاه افشار صورت می‌پذیرد؛ اما به دلیل سیاست‌های نادر، خوانین تالش تحت اطاعت حکومت افشار بوده و روابط علنی دوستانه با روسیه ندارند. آنها پس از نادرشاه حاکمان بلامنازع نواحی تحت حکومت خود بودند.

در دوازده جا دیوان‌خانه می‌بود صاحب‌شان دستگاهی می‌کردند از هیچ پادشاهی خوفی و اندیشه‌ای نداشتند و هر یک خود را پادشاهی تصور می‌نمودند (خدآوردی‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۲).

به این ترتیب خوانین تالش در امور سیاسی و دیپلماتیک بین کشورها وارد شده و در تغییر سرنوشت تاریخی ایران و روسیه خودنمایی می‌کنند. در این دوره که کاترین دوم با جدیت به تعقیب سیاست‌های پطرکبیر می‌پردازد، در سال (۱۲۱۷ ق / ۱۷۸۳ م) حاکم ایالات گرجستان چون از طرف شاه ایران تهدید می‌شود خود را مورد حمایت کاترین قرار می‌دهد. و همین مساله باعث می‌شود روس‌ها بهانه لازم برای دخالت در تمام نواحی قفقاز آذربایجان و تالش را به دست آورند. بنابراین برخی از خوانین این مناطق در چالش‌های سیاسی با دولت ایران خود را تحت اطاعت روس‌ها درمی‌آورند (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۷).

۳. خوانین تالش قبل از حکومت قاجار

تاریخ تالش در دوره مورد بحث بر اساس خان‌های تالش نوشته شده است. در هنگام

میرعباس بیگ دچار نوساناتی شد. در زمان نادرشاه به علت فشارهای مالیاتی، مردم یکی از مناطق کوهستانی تالش از پرداخت مالیات خودداری کردند و محصلان مالیاتی حکومت را از مناطق خود بیرون راندند و نادرشاه با اعزام نیرو به سرکوب آنها پرداخت. نادرشاه برای جلوگیری از شورش مجدد تالش شخصی به نام قره‌بیگ تالش را، که از سرداران شجاع او محسوب می‌شد، به عنوان تأمین‌کننده امنیت منطقه تعیین کرد.^۲ در زمان قره‌خان با وجود امنیت ناشی از بیرون راندن روس‌ها، جلب نظر استعماری روس‌ها آغاز و با ورود مأموران روسی به تالش روابط از سر گرفته شد؛ اما این روابط چشمگیر و تأثیرگذار نبود. قراخان پس از قتل نادرشاه و در هنگامه جنگ‌های مدعیان سلطنت ایران، بر قلمرو خود افزود و بخش بزرگی از سرزمین تالش را تصرف کرد (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۶-۱۱۷).

رقابت خوانین منطقه قفقاز با همدیگر در حفظ قدرت و قلمروشان در گرایش به دولت وقت ایران و روسیه مؤثر بود. قره‌خان که سایه سنگین فتحعلی‌خان، حاکم قبه، را بر سر داشت (باکیخانف، ۱۳۸۰: ۱۶۹) با هدف باز کردن پای روس‌ها به منطقه تالش شمالی امنیت جانی و مالی آنها را تضمین کرد. تا جایی که حتی

سلطنت نادر شاه افشار با تثبیت اوضاع سیاسی، روس‌ها از اراضی تحت تصرف خود بیرون رانده شدند. در این دوره استقلال نسبی خوانین تالش با میرعباس بیگ آغاز شد. او در دوره اشغال تالش توسط روسیه با فرمانده روسی منطقه همکاری بسیار نزدیکی داشت و از آنها سلاح و تجهیزات برای تثبیت موقعیتش در تالش دریافت کرد. پس از بیرون راندن روس‌ها از تالش توسط نادر، وی روابط مخفیانه خود را با روس‌ها حفظ کرد و صداقت و دوستی دائمی خود را به روس‌ها اعلام داشت. البته نادر به خوبی از اوضاع منطقه و گرایش‌های قبلی میرعباس بیگ به روسیه مطلع بود. اما برای حفظ مرزهای این منطقه به برخورد علنی با او نپرداخت. علاوه بر آن قدرت و محبوبیت مردمی میرعباس در منطقه تحت اداره خود بیشتر بود. با وجود شورش‌های متعدد در تالش جنوبی در منطقه تحت حاکمیت میرعباس بیگ در تالش شمالی شورش‌هایی علیه نادر به وقوع نپیوست. روس‌ها در این زمان بسیار علاقه‌مند بودند که از راه دریای خزر یا سواحل آن کالاهای انگلیسی‌ها را از ایران به اروپا حمل کنند. جان التون^۱ با حمایت بازرگانان انگلیسی از راه روسیه عازم ایران شد و براساس معامله صورت گرفته دو فروند کشتی انگلیسی در دریای خزر فراهم شد اما لقب دریا سالار بیگی التون سوء ظن روس‌ها را برانگیخت و آنان را دلسرد کرد (شمیم، ۱۳۷۵: ۸۰) در نتیجه رابطه روس‌ها با

۲. قره‌خان فرزند میرعباس بود. میرعباس از خلخال به تالش مهاجرت کرده بود و با ازدواج خواهرش با ابراهیم‌خان جایگاهش در تالش محکم شده بود. او از جمله کسانی بود که در مجلس مؤسسان نادرشاه در مغان شرکت کرد، و با لقب قره‌بیگ در اردوی نادر به درجه افسری رسید.

هنگامی که کشتی‌های روسی در آستارا مورد حمله ایرانیان قرار گرفت و تصرف شد قره‌خان به محض اطلاع از این موضوع فوراً مداخله کرده و کشتی‌ها را آزاد کرد. قره‌خان در انزلی با کنسول روسیه روابطی برقرار کرد و این کنسول (اومانف) در نامه‌ای به مقامات روسیه در خصوص قره‌خان نوشت که وی آدمی صمیمی و بسیار مهربان و برای روس‌ها احترام قائل است و از او خواسته که تمایلاتش را نسبت به روسیه به امپراتور ابلاغ کند. مترجم کنسولگری روس در انزلی در نامه‌ای متذکر گردید که قره‌خان با تمام فرستادگان روس برخورد بسیار خوبی دارد که نشان وفاداری وی نسبت به دولت روسیه است (اسداف، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۷). میرقره‌خان راه ورود روس‌ها به تالش را باز کرد و این برای تالش فاجعه‌آمیز بود (اسداف، ۱۳۸۴: ۳۲).

با به قدرت رسیدن کریم‌خان زند (۱۱۶۴ق/ ۱۷۵۱م) رابطه ایران با روسیه به دلیل پیشنهاد اتحاد بر علیه عثمانی از یک طرف و تقاضای انحصار تجارت در گیلان و مازندران از طرفی دیگر به خوبی پیش رفت. در این هنگام با افشای روابط قره‌خان با روسیه، قره‌خان دستگیر و در شیراز زندانی شد. هفت سال زندانی باعث کینه فرزندش، میرمصطفی‌خان، از دولت ایران و یکی از عوامل گرایش به دولت روسیه در سال‌های آتی بود.

۴. میرمصطفی‌خان و سیاست دوگانه

پس از میرقره‌خان فرزندش، میرمصطفی‌خان، حاکم تالش شد. میرمصطفی‌خان مشهورترین حاکم این خاندان است (باکیخانف، ۱۳۸۰:

۱۶۹). او حاکمی بسیار مقتدر و سیاستمدار بود. آن جناب مرد خردمند مدبر و دوراندیش و پیوسته مراقب احوال بیگانه و خویش بود و نسبت به هر یک از اعیان تالش طریق سلوک را پیش می‌گرفت (برادگاهی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

در دوره حاکمیت او، قلمرو خان تالش گسترش یافت و تقریباً تمام تالش را دربرگرفت. وی هیچ‌گاه مطیع آقامحمدخان قاجار نشد و چندین بار نیز با قوای او به جنگ پرداخت.

حکومت میرمصطفی‌خان تالش را باید آغاز دوره‌ای جدید در حیات قوم تالش دانست که با تجزیه تالش در ۱۲۴۳ق/ ۱۸۲۸م در عهدنامه گلستان به دو منطقه شمالی در تصرف روسیه و جنوبی در اختیار این خاندان، دوره‌ای جدید در سیاست‌های آنها آغاز شد. میرمصطفی‌خان در بین حاکمان تالش به عنوان شخصی که سیاست مبهمی در برابر دو دولت روس و ایران داشت و بیشتر متمایل به روس‌ها بود، توجه تحلیل‌گران را به خود جلب کرده است.

آقا محمدخان قاجار که در صدد بازگشت آرامش به کشور بود، به تمام خان‌های نواحی مختلف نامه‌هایی را جهت اطاعت از حکومت مرکزی ارسال داشت. اما میرمصطفی‌خان به پشت گرمی روسیه پاسخ گستاخانه‌ای به نامه آقا محمدخان داد و در ۱۲۰۹ق/ ۱۷۹۴م هنگامی که آقا محمدخان قصد تصرف گرجستان را داشت، بر ضد نیروهای شاه قاجار وارد عمل شد. آقا محمدخان نیز سپاه‌یانی به تالش گسیل داشت و لنکران، مرکز حکومت میرمصطفی‌خان، را تصرف کرد. میرمصطفی‌خان به کوه‌های اطراف گریخت و پس از آنکه نیروهای آقا محمدخان

اعلام وفاداری به دربار فرستاده شده بودند، فتحعلی‌شاه جهت دلداری به میرمصطفی‌خان، میرزا عیسی فراهانی وزیر عباس میرزا را برای خواستگاری نزد میرمصطفی‌خان فرستاد تا او دختر هفت ساله خود را به عقد محمدعلی میرزا، پسر ارشد فتحعلی‌شاه، درآورد؛ اما میرمصطفی‌خان با مشورت بزرگان به تقاضای فتحعلی‌شاه جواب رد داد و نوشت: «هرچند اسم شما شاه است اما من در حقیقت خودم را از شما کمتر نمی‌دانم» (خداوردی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۵) و فتحعلی‌شاه قشون فراوانی به تنبیه میرمصطفی‌خان روانه کرد. میرمصطفی‌خان پس از شکست از شاه قاجار امان خواسته و فتحعلی‌شاه با فرستاده‌ای او را در مقام خود استوار کرد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۸۹). همه این وقایع کافی بود تا میرمصطفی‌خان خواهان گرایش به روسیه باشد، بنابراین در آغاز سلطنت الکساندر اول، نماینده‌ای به دربار روسیه فرستاد و اطاعت خود را از آن امپراتوری اعلام و خواهان حمایت‌های آن دولت شد. روسیه که آماده پذیرش چنین درخواست‌هایی بود، قوایی به تالش گسیل داشت و میرمصطفی‌خان نیز آنان را در قلعه کهنه آستارا و قریه گرمی اوجارود و شهر لنکران جای داد (باکیخانف، ۱۳۸۰: ۱۸۴). این رویگردانی از ایران در جنگ‌های ایران و روس ضربه‌هایی بر مقاومت نیروهای ایرانی زد که به سختی قابل جبران بود.

فریدون اسداف از میرمصطفی‌خان به عنوان «منجی بزرگ تالشان» نام می‌برد و هدفش را سیاست «گاهی به نعل و گاهی به میخ» و

لنکران را ترک کردند، به آنجا بازگشت و کوشید بیش از پیش خود را به روسیه نزدیک سازد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۱۱).

از این سبب خان از دولت قاجاریه به حدی متوحش و متنفر گردید که دیگر مطلقاً روی رغبت به سوی آن دولت برنگردانید تا زمانی که آقا محمدشاه به دست خدام خویش مقتول و سلطنت به ولیعهدش فتحعلی‌شاه منتقل گردید (برادگاهی، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

شورش خوانین قفقاز بر علیه آقا محمدخان، سرکشی‌های میرمصطفی‌خان را از جهت اینکه هنوز آقا محمدخان را به عنوان پادشاه رسمی ایران قبول نمی‌کرد و یا هنوز سیستم ملوک الطوایفی در این ناحیه به حیات خود ادامه می‌داد، قابل توجیه است.

اقتدار نظامی میرمصطفی‌خان چنان بود که او درباره حاکمان قاجار معتقد بود: «طایفه قاجاریه از رویه رشادت در همه جا بری می‌باشند» (خداوردی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۲). این اقتدار به گونه‌ای بود که حتی عموی فتحعلی‌شاه، مرتضی‌قلی‌خان، در زمان طغیان علیه شاه به میرمصطفی‌خان متوسل شد و خان تالش لشکریانی جمع و با همراه کردن خوانین گیلان با شش هزار نفر نیروی پیاده و سواره به همراهی مرتضی‌قلی‌خان بر علیه فتحعلی‌شاه قیام کردند و فتحعلی‌شاه با وعده حکومت آذربایجان عمویش را تحت انقیاد خود درآورد. اما کینه او نسبت به میرمصطفی‌خان باقی ماند.

با کشته شدن دو تن از برادران میرمصطفی‌خان به دست شاه قاجار که به عنوان

طرف دولت روسیه حاکم این منطقه شده و به ترمیم لنکران مقرر حکمرانی خان تالش پرداخت. اما نفوذ روس‌ها در این منطقه رفته رفته بیشتر می‌شد و میرحسن خان احساس می‌کرد با برنامه ریزی روس‌ها از او جز حاکمیت ظاهری و اسمی بر تالش شمالی چیزی باقی نمانده است. رفته رفته روس‌ها غیر از تعدی به حقوق، اموال و ناموس مردم به صورت‌های مخفیانه به قتل سران با نفوذ تالش پرداختند.

پس از مرگ میرمصطفی خان حکومت موروثی لنکران دچار اختلال می‌گردد. میرحسن-خان پسر ارشد میرمصطفی خان با برادرانش بر سر جانشینی حکومت پدر به جنگ و ستیز متوسل می‌شوند. فرماندهی ارتش روسیه که رقابت‌ها و مبارزات این برادران را مایه ناآرامی و اختلال در امنیت منطقه تشخیص داده بود، حمایت خود را از میرحسن خان قطع کرده، او را به اتفاق تعدادی دیگر از یارانش به ایران تبعید می‌نماید. در حالی که قبلاً حاکمیت و حضور میرحسن خان را در تالش شمالی با نظارت خود پذیرفته بودند.

عامل دیگر در رویگردانی میرحسن خان از دولت روسیه این بود که «حاکمان روسی نظر به مصلحتی که منظور داشت در معاونت معاندین او می‌کوشید و باعث اختلال امر حکومت خانی می‌گردید. به همین سبب میرحسن خان متحمل این حکایات و متمامل این حرکات نشده و از این روی منزجر و متنفر از امناء دولت امپراطوری گشته متوجه به سوی دولت قاجاری گردید» (برادگاهی، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

اگر بپذیریم که گاهی میزان قدرت نظامی

تأسیس کشوری مستقل به نام تالش می‌داند (اسداف، ۱۳۸۴: ۳۳) هدفی که هیچ‌گاه خوانین تالش به آن نرسیدند.

پس از جنگ‌های اول ایران و روس و اعتراض میرمصطفی خان به قرارداد گلستان و فشار روس‌ها به ایران برای جلوگیری از حملات متعدد خان تالش به لشکریان روس، فتحعلی‌شاه برای تضعیف خانواده میرمصطفی خان که مالک بسیاری از اراضی تالش بود، مقاومت چندانی در عدم واگذاری این مناطق در برابر روسیه نکرد. در نتیجه میر مصطفی خان در لنکران تحت اطاعت روس‌ها به سر برد.

۵. میرحسن خان و رویگردانی از روس‌ها

پس از میرمصطفی خان فرزندش، میرحسن خان، که در بین خوانین تالش از لحاظ وفاداری به دولت ایران و رویگردانی از دولت روسیه مورد ستایش مورخان قرار گرفته است، روی کار آمد. «به صنعت هنر و شجاعت موصوف و مکبرات جرات و جلادت معروف بود و در مصاف به صولت شیر ژبان اتصاف داشت» (برادگاهی، ۱۳۹۷: ۱۱۳). میرحسن خان برخلاف پدرش و بنا به دلایلی که خواهد آمد، سیاست گرایش به ایران را در پیش گرفت. در جنگ‌های ایران و روس عباس میرزا درباره میر حسن خان می‌گوید:

میرحسن خان را به منزله پسر بزرگ خود محسوب می‌دارم. او میر شمشیر من است و سبقت المجاهدین من بود (خداوردی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

پس از میرمصطفی خان، میرحسن خان از

۶. موضع‌گیری خوانین در عهدنامه‌های گلستان

و ترکمانچای

۱-۶. عهدنامه گلستان

چنان که ذکر شد، در طی جنگ اول ایران و روس، خان تالش میرمصطفی خان بود و با توجه به روابط حسنه او با روس‌ها در هنگام جنگ موضع مشخصی نداشت. میرمصطفی خان در ابتدا از در رعب و وحشت با روس‌ها مذاکره کرده و از نیروهای روس‌ها حمایت کرد. اما بعدها با اعزام نماینده از طرف دولت ایران از کمک به روس‌ها جلوگیری کرد. اما وجود میرمصطفی خان شیروانی در این منطقه و تهدید میرمصطفی خان تالش باعث متمایل شدن میرمصطفی خان به روس‌ها شد. روس‌ها بادکوبه را تحت اختیار گرفته بودند و قسمتی از «سالیان» را بمباران کرده و در حال پیشروی بودند. در ناسخ التواریخ درباره این جنگ و کشمکش میرمصطفی خان چنین آمده است:

مصطفی خان حاکم تالش که پشت به دولت ایران کرده با شفت طراز مودت داده بود و این هنگام هراسناک شده بدان شد که از تالش به جزیره پشت «ساری رود» و از آنجا به «قرلر» گریزد. نایب‌السلطنه، میرزا بزرگ وزیر خویش را به استمالت او گسیل فرمود و میرزا بزرگ او را مطمئن ساخت. آنگاه مصطفی خان راه آذوقه و علف بر روسیان ببست و دیگر از برای شفت مجال درنگ نماند، لابد آهنگ فرار کرد و از شدت جوع و گرسنگی و سورت سرما بسیار کس از مردم او هلاک شد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷:

خان‌ها حق انتخاب آنها را تعیین می‌کرد، ضعیف بودن قدرت نظامی خان تالش بعد از عهدنامه گلستان از یک طرف و محدود شدن وسعت قلمرو تحت اداره میرحسن خان، فرصت جولان و رویگردانی از ایران را به او نداد. رفتارهای خشن و توأم با زورگویی مأموران روسی بعد از واگذاری تالش شمالی با خان تالش نیز بیش از پیش او را مصمم به مقاومت در برابر دولت روسیه کرد.

مشکل اساسی پس از بسته شدن عهدنامه ترکمانچای و اتمام مهلت شش ماهه خوانین در واگذاری مناطق خود به روسیه ایجاد شد. میرحسن خان ایران را ترجیح داده و به مخالفت با روس‌ها پرداخت. دسیسه‌های مأموران روسی در تالش نیز نقش اصلی در از بین بردن میرحسن خان داشت. می‌توان به یکی از نامه‌های یرملف^۱ اشاره کرد. او در ۲ ژوئیه ۱۸۲۴/۵ دی قعه ۱۲۵۹ به سرگرد ایلینسکی^۲ می‌نویسد:

نظارت خویش را بر میرحسن خان افزایش بده. برای اینکه او را از میان برداری باید بهانه‌های گوناگونی بتراشی. برای این منظور لازم است به او این فرصت و امکان داده شود تا هر از چندگاهی به ایران برود و در ایجاد ارتباط با ایران گناهار شناخته شود. افزون بر این، ضروری است تا در میان خانواده و اطرافیان خان نارضایتی ایجاد شود (کریمو، ۱۳۸۰: ۱۲۴)

1. Yermolov
2. Ilyinsky

/ ۱ (۱۴۴).

دوره بین دو دولت تنها مانده و روسیه را به ایران ترجیح میداد.

در این مورد نامه‌ای از میرمصطفی خان تالش به سردار روسی و اعلام وفاداری به دولت روسیه وجود دارد که از سردار روس درخواست واگذاری مجدد مناطق تحت اختیار خود می‌کند و اعلام وفاداری همیشگی به آن دولت می‌نماید (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه: دفتر سوم سند شماره ۹۶۲). همچنین نامه مصطفی خان تالش به یک مقام روسی است و در آن نوشته که به دلیل دشمنی عباس میرزا و حاکمان قراداغ و مشکین، اردبیل و گیلان تنها مانده و به اطاعت از روسیه پناه آورده است (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه دفتر سوم، سند شماره ۹۵۸)

در این دوره اختلافات مرزی و رفتارهای خشن روسیه با مردم نواحی واگذار شده بالا گرفت و با پادرمیانی انگلستان میرزا ابوالحسن خان ایلچی برای هرگونه سازش و مذاکره برای بازپس گرفتن برخی از مناطق از دست رفته راهی روسیه شد.

روس‌ها به خواسته‌های ایلچی پاسخ مبهم می‌دادند... ادعا شد به جز گنجه مابقی با خواست خود به حکومت روس روی آورده‌اند (دنبل، ۱۳۸۳: ۵۸۴).

در این پاسخ رد پای گرایش‌های خوانین به روس‌ها دیده می‌شود. پس از سه سال با نظر میرزا قائم مقام این هیئت برمی‌گردد. او معتقد بود که ایران نه تنها نباید انتظار هیچ‌گونه سخاوت و مدارایی از جانب روسیه داشته باشد بلکه باید از تخطی هرچه بیشتر این کشور به خود بیمناک هم باشد.

با همکاری میرمصطفی خان ارتش ایران مستقر در تالش به روس‌ها هجوم برده و تعدادی از آنها را به اسارت گرفتند. در جبهه‌های مختلف میرمصطفی خان در جنگ با روس‌ها هم با حاکمان محلی مختلف و رقیب گماشته شده توسط دولت ایران و هم با یورش‌های سرسختانه روس‌ها مواجه شد.

تا این زمان در جبهه تالش میرمصطفی خان تالشی به یاری سپاهی که عباس میرزا برای او فرستاده بود روس‌ها را از تالش بیرون رانده و بندر لنکران و سپس سالیان را گرفت (مشیرالدوله - اقبال، ۱۳۸۳: ۷۹۵)

نواحی دیگر نیز علیه حاکمان روسی خود شوریدند اما این پیروزی دوام چندانی نداشت. نیروهای تازه نفس روس به منطقه آمدند و ایران پی در پی شکست خورد.

بعد از معاهده گلستان میرمصطفی خان با وجود واگذاری بخش بزرگی از تالش به روسیه، در لنکران مستقر شد. و تحت حمایت روس‌ها به سر می‌برد. اعتراض میرمصطفی خان به قرارداد گلستان و فشار روس‌ها به ایران برای جلوگیری از حملات متعدد خان تالش به عساکر روس موجب شد فتحعلی شاه برای تضعیف خانواده میرمصطفی خان که مالک کلیه اراضی تالش بود مقاومت چندانی در عدم واگذاری این مناطق در برابر روسیه نکند. از اسناد باقی مانده از مکاتبات میرمصطفی خان می‌توان به نوعی سردرگمی سیاسی بعد از عهدنامه گلستان پی برد. خان تالش با وجود درگیری‌های قبلی با شاهان قاجار و ایجاد شورش بر علیه آنها در این

۲-۶. عهدنامه ترکمان‌چای

طی جنگ دوم ایران و روس، به تدریج بر نگرانی‌های بریتانیا افزوده می‌شد و چون خود با دولت روسیه صلح کرده بود، مایل بود هر چه زودتر جنگ در این منطقه چنان حساس پایان یابد.

بعد از تصرف تبریز روس‌ها به سه شرط حاضر به صلح با ایران شدند که یکی از آن شروط واگذاری مجدد تالش شمالی به روس‌ها بود. عباس میرزا در ابتدا مایل به واگذاری یک وجب از خاک تالش شمالی نبود و خواستار تعیین رود ارس تا محل اتصال رود کر و ادامه رود کر تا دریاچه خزر به عنوان مرز بین دو کشور بود. روس‌ها آن را نپذیرفتند، عباس میرزا جهت از دست ندادن سایر مناطق آذربایجان مجبور به قبول واگذاری قسمت‌هایی از تالش به روسیه شد. این در حالی بود که میرحسن خان به شدت مخالف بود. روس‌ها در عهدنامه گلستان اختیاراتی برای میرمصطفی خان تعیین کرده بودند اما در عهدنامه ترکمان‌چای برای خوانین از جمله خان تالش هیچ اختیاری وجود نداشت و خوانین منطقه باید ظرف شش ماه پس از عهدنامه دفاتر و اسناد و املاک را به مأمورین روس تحویل می‌دادند.

در این جنگ جهانگیر میرزا، پسر عباس میرزا، برای دفع روسیه از تالش از شخص میرحسن خان کمک می‌گیرد. میرحسن خان روس‌ها را تا باکو و سالیان میراند و به میرزا جهانگیرخان می‌گوید:

این سالیان برای شما چرا که سفر اولی

شماست. بگذار تصرف کردن سالیان به نام شما مشهور گردد من را لازم نباشد. اما جهانگیر میرزا یک شب بیشتر نماند و از ترس روسیه آنجا را تخلیه و به اردبیل رفت (خداوردی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

درباره موضع‌گیری‌های خان و سپاهیان در جنگ دوم با روس‌ها «سرکار میرحسن خان کمر همت بر میان خود بسته سر به اطاعت دربار روسیه نیاورده آنها هم به مثل سرکار میرحسن خان با جان و دل در رویه جانفشانی شب و روز در مجادله روسیه سعی و کوشش می‌کردند» (همان: ۱۱۵).

شش ماه پس از بسته شدن عهدنامه ترکمان‌چای میرحسن خان، از واگذاری تالش به روسیه مطلع می‌شود و میرزاخداوردی را نزد عباس میرزا می‌فرستد. عباس میرزا می‌گوید:

به خدای لاشریک قسم آنچه لازمه و سعی و کوشش نمودیم در خصوص واگذار نکردن تالش به دولت روسیه، چاره نشد. آخر الامر سردار روسیه گفت بلکه از هفت کرور تومان دست کشیده باشم اما از تالش دست نخواهم کشید (خداوردی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

پس از بسته شدن عهدنامه ترکمان‌چای، روس‌ها در این باره مذاکراتی با میرحسن خان انجام داده و توافق کردند او تالش شمالی را ترک گفته و به تالش جنوبی رفته و در آنجا ساکن شود و یا اینکه با توافق روس‌ها می‌توانست در تالش شمالی بماند. اما میرحسن خان به نایب‌السلطنه گفت ما از شما دست نخواهیم کشید. در این شرایط بحرانی مردم تالش به دو دسته تقسیم شده بودند. یک

دسته متمایل به روسیه و دسته دیگر که جنگجو بودند مخالف روسیه و خواستار خروج از سیطره روسیه بودند (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۸) گروه دوم تحت رهبری میرحسن خان از اینکه موطن خود تالش شمالی را به روسیه واگذار کنند راضی نبودند و از خود مقاومت و سرسختی نشان دادند. در چنین شرایطی اگر دولت ایران توانایی آن را داشت که به افرادی از قبیل میرحسن خان کمک نظامی برساند و به خوبی آنها را رهبری کند موقعیت ایران در مقابل روس‌ها متفاوت می‌شد.

عباس میرزا در باب واگذاری ایروان و نخجوان مقاومت آن چنانی نکرد اما در خصوص شرط دوم در باب واگذاری تالش که در تصرف میر حسن خان بود، با روس‌ها بحث مفصلی انجام داد. وی خواستار تعیین رود ارس تا محل اتصال رود کُر و سپس ادامه رود کُر تا دریای خزر به عنوان مرز بین دو کشور شد. روس‌ها با لجاجت هر چه تمام‌تر نپذیرفتند. عباس میرزا دوباره درخواست کرد که با مشخص شدن شروط اصلی و فرعی، مصالحه تمام شود و مسئله تالش مسکوت بماند تا در این باب به امپراتور روسیه اظهار شود شاید مورد قبول ایشان واقع گردد. پاسکوویچ ضمن امتناع، پاسخ داد که چون در عهدنامه گلستان تالش شمالی در تصرف روسیه بوده پس باید از تصرف خان تالش خارج شود و در اختیار روسیه قرار گیرد. پافشاری سرسختانه روس‌ها همراه با تهدید به ادامه جنگ، عباس میرزا را وادار کرد آن را به شرط نوشتن شرحی به امپراتور بپذیرد.

یکی از شرایط عهدنامه ترکمانچای این بود که اگر از رجال دو مملکت کسی فرار کند و به دولت دیگر پناه برد، ضمن دستگیری باید وی را تحویل دهند (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۲/ ۵۴؛ میرخواند، ۱۳۷۳: ۹/ ۷۳۹). روس‌ها میر حسن خان را در منطقه خواجه کرای کرگان‌رود تحویل بالاخان حاکم کان‌رود کرگان‌رود دادند. عباس میرزا دامادش، میر کاظم خان پسر میر حسن خان، را از تبریز به اردبیل فرستاد تا از پدرش دلجویی نماید. از مقامات سرحدی روس نیز در تالش شمالی عذرخواهی شد (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۱۲۷)

وقتی میرحسن خان تنفر خود را از دولت روس اعلام و به دولت ایران روی نهاد پسرش میرکاظم در باز پس گرفتن لنکران و تصرف قلعه آن منطقه هر قدرتی که در توان داشت به خرج داد.

۷. نتیجه

موقعیت خاص و استراتژیکی تالش نقش مهمی در ورود این سرزمین به چالش‌های ایران و روسیه در دوره توسعه استعمار داشت. مواضع خان‌ها در اتحاد با روس‌ها، عثمانی و ایران متغیر، شکننده و ناایمن بود. آنها همیشه در رقابت با هم بوده و شناخت درستی از وضعیت موجود نداشتند. به خاطر جهل و ناآگاهی از اوضاع جهانی و رقابت با خوانین دیگر هیچ‌گاه نتوانستند باهم متحد شده و در مقابل حوادث استراتژیک برنامه‌ی دراز مدتی داشته باشند. اتحاد خوانین و مواضع و مناسباتشان بر مبنای

بازن، مارسل (۱۳۹۴). *تالش: منطقه‌ای قومی در شمال ایران*. ترجمه مظفر امین فرشچی. تهران: جامعه‌نگار.

باکیخانف (۱۳۸۰). *گلستان ارم*. ترجمه بهروز نعمت‌اللهی. اردبیل: شیخ صفی‌الدین.

برادگاهی، کاظم بیگ (۱۳۹۷). *تذکره سعیدی*. تصحیح عدالت عزت‌پور. تهران: نشر مورخان.

حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۸۰). *زبده التواریخ*. به کوشش کمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خداوردی‌زاده، میرزا احمد (۱۳۸۳). *اخبارنامه*. به کوشش حسین احمدی. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.

دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مآثرالسلطانیه*. تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد. تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره قاجار*. تهران: امیرکبیر.

طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶). *دیار بکر*. به کوشش نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران: [بی‌نا].

عرفانی نمین، لاله (۱۳۸۹). *شکوه دیرین نمین*. تهران: گوهر دانش.

کریموا، اسداف؛ فریدون. سویل (۱۳۸۰). *آوردندگان تزاریسم به آذربایجان*. ترجمه امیر عقیقی. قم: نشر بخشایش.

لاکهارت، لارنس (۱۳۴۳). *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*. ترجمه مصطفی قلی عماد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

منافع کوتاه‌مدت و برنامه‌ریزی موقتی برای حفظ استقلال خودشان بود.

دولت ایران در تسلیم کردن خوانین تالش، به دلیل ضعف ساختاری قاجار و نوبنیاد بودن آن و نیز قدرت‌گیری سریع روس‌ها، موفق نبوده است؛ در نتیجه به دلیل همکاری‌های گاه و بی‌گاه خوانین با روسیه شرایط ورود تدریجی آنها به شمال غربی ایران و به خصوص تالش فراهم گردید؛ طوری که از مکان‌های مهم و با ارزش سیاسی مطلع شدند و نتایج جنگ را با تصرف این مناطق به نفع خود رقم زدند. آنها با فریب خوانین علاوه بر اینکه مستقل بودن را از آنها دریغ کردند، آنها را از مناطق تحت حکومت خود نیز بیرون راندند. بنابراین ایران، بیشتر به عنوان تأثیرپذیر این تحولات سیاسی قلمداد می‌شود.

در نتیجه، چگونگی روی کار آمدن خوانین، روابط آنها با خوانین هم‌عصر خود و همچنین تغییرات دیپلماتیک میان حکومت‌ها در تعیین سرنوشت مردم منطقه تالش تأثیرگذار بوده است.

منابع

احمدی، حسین (۱۳۸۴). *تالشان*. تهران: وزارت امور خارجه.

اسداف، فریدون (۱۳۸۴). *نگاهی به گذشته تالش*. ترجمه علی عبدلی. تهران: وزارت امور خارجه.

اوبن، اوژن (۱۳۶۲). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ م ایران و بین‌النهرین*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.

- مشیرالدوله، حسن؛ اقبال، عباس (۱۳۸۳). *تاریخ ایران*. چاپ پنجم. تهران: نامک.
- میرزا جهانگیر (۱۳۸۴). *تاریخ نو*. به اهتمام اقبال عباس اقبال آشتیانی. تهران: نشر علم.
- وقایع‌نگار مروزی، میرزا محمدصادق (۱۳۶۹). *تاریخ جنگ‌های ایران و روس*. گردآورنده حسین آذر.
- مصحح هوشنگ آذر. تهران: زوار.
- میرخواند، محمد (۱۳۷۳). *روضه الصفاى ناصرى*. تلخیص عباس زریاب، تهران: علم.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۸). *تنصیقات بر تذکره الملوک*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.